



دیدگاه شیخ بهایی درباره ضرورت رجوع به احادیث برای فهم قرآن

اخباریون و اصولیان در تاریخ فکر تشیع در مقابل هم قرار داشته‌اند، شیخ بهایی در این میان جایگاهی میانه دارد. وی معتقد بود که قرآن به تنهایی حجت ندارد و برای فهم آن باید به احادیث رجوع کرد.

اخباریون و اصولیان در تاریخ فکر تشیع در مقابل هم قرار داشته‌اند، شیخ بهایی در این میان جایگاهی میانه دارد. وی معتقد بود که قرآن به تنهایی حجت ندارد و برای فهم آن باید به احادیث رجوع کرد.

محمدبن‌حسین عاملی، معروف به شیخ بهایی عالم دوره صفوی در جبل عامل شام به دنیا آمد و با پدر دانشمند خود راهی دربار ترکان صفوی گردید. وی در هشتاد و هفت سالگی و به سال 1030 هجری قمری در اصفهان درگذشت. او علاوه بر علوم اسلامی در علمی فنی مانند مهندسی جایگاهی برجسته داشت و از او به معمار تمدن اسلامی نیز یاد می‌شود.

رویکرد اعتدالی شیخ بهایی در فقه

در تاریخ فقه امامیه جریان اصولیه در سده 7 قمری به اوج رسید و پس از چهار سده در برابر اخباریه فرود آمد. این تغییر به یک‌باره نبوده است و پس از آن نیز اخباریان همواره برتری را در فقه جعفری نداشته‌اند اما می‌توان یکی از زمینه‌های تغییر در این دوره را در شیخ بهایی جست.

لازم به ذکر است که اخباریان و اصولیان در پنج اصل از هم جدا می‌شوند. اجتهاد و تقلید از عناصر اصلی فکر اصولی هستند در حالی‌که اخباریان تقلید از مجتهد را جایز نمی‌دانند، اخباریان معتقدند که کتب اربعه شیعه همه صحیح هستند، درحالی‌که اصولیان چنین باوری ندارند، از سوی دیگر اصولیان دلیل عقل از قبیل تکلیف‌کردن فوق طاعت را قبیح می‌دانند در حالی‌که اصولیان معتقد به این اصل نادرست است و در پایان حجیت ظاهر قرآن برای اخباریون ملاک عمل نیست در حالی‌که اصولیان ظواهر قرآن را در جایی که اخبار هم نباشد قبول می‌کنند.

از دیدگاه میرزای قمی «شیخ بهایی به عنوان نقطه عطفی میان عالمان پیش و پس از خود محسوب می‌شده است». پدر شیخ بهایی تأثیر زیادی بر اندیشه وی داشته است که قرابت‌هایی با مکتب مقدس اردبیلی دارد. شواهد زیادی از تأثیرات ابومنصور حسن بن زین الدین صاحب معالم بر وی وجود دارد.

علاوه بر تأثیر شهید ثانی و محقق کرکی باید به تأثیر علامه حلی و شهید اولی نیز بر اندیشه شیخ بهایی اشاره کرد. شیخ بهایی بر تعدادی از کتب علامه حلی شرح نوشت و نحوه دفاع مصرانه او بر اندیشه علامه سبب شده است برخی او را متعصب و افراطی بدانند.

«در تبیین کلی پیوستگی‌های شیخ بهایی با پیشینیان شاید با قدری تسامح بتوان گفت، وی پیجوی بازچینی مبانی اصولیه بر اساس الگوی علامه حلی است». از آنجایی که وی به دنبال نوعی جمع میان عمل به اخبار و کاربرد اصول است به نوعی رویکرد اعتدالی در فقه می‌رسد. اگر چه او را در چاقوبی اصولی قرار می‌دهند.

وی به نقد برخی از مواضع اصولی در قرائتی که علامه کرکی از آن اراده داده است، پرداخت و معتقد به افزایش جایگاه اخبار و تکیه بر عدم مشروعیت قیاس داشت. وی در کنار منتقدین جریان اصولیه، چون صاحب معالم قرار داد.

شیخ بهایی به موارد کردن مولفه «تحصیل ظن» در تعریف اجتهاد که از منابع اصولی هل سنت اخذ شده بود، تذکر داد با این‌همه او امور قطعی را از علم فقه خارج کرد. «این تفاوت‌گذاری میان دانش مبتنی بر اجتهاد و دانش مبتنی بر یقین چندی پیش از شیخ بهایی نزد محقق کرکی و مقدس اردبیلی هم دیده می‌شود».

استفاده از احادیث در فهم قرآن ضروری است

شیخ بهایی معتقد بود که این قرآن است که می‌تواند مستمسک مسلمانان و هدایتگر آنان به حقایق امور باشد و در این طریق استفاده از احادیث ائمه (ع) نیز ضروری است. وی «تفسیر و حدیث را منبع علوم شرعی و پایه احکام اصلی و فرعی دانسته است». اهمیت عبارات آن جاست که او مانند اصولیان از آوردن اجماع و عقل در کنار این دو منبع اصلی خود داری می‌کند.

نظر شیخ بهایی در خصوص آیات‌الاحکام و رابطه آن با تفاسیر و قرائت‌هایی که در این میان وجود دارد، نشان‌دهنده این است که وی به سوی اخباریان سوق می‌یابد، «کثرت اختلاف فهم قرآن میان مذاهب مختلف اسلامی، و ضرورت رجوع به تفسیر اهل بیت (ع) در خصوص این اختلاف دقیقاً همان مبنایی است که از حجیت ظواهر کتاب می‌هد و آیات الاحکام را از جایگاه خودبستگی در معناداری به ضرورت تفسیر کتاب به مآثور از اهل بیت (ع) سوق می‌دهد». از این رو این عالم اسلامی در تفسیر این بخش از قرآن به استناد احادیث عمل کرده است و این با روش متداول اصولی متفاوت بوده است.